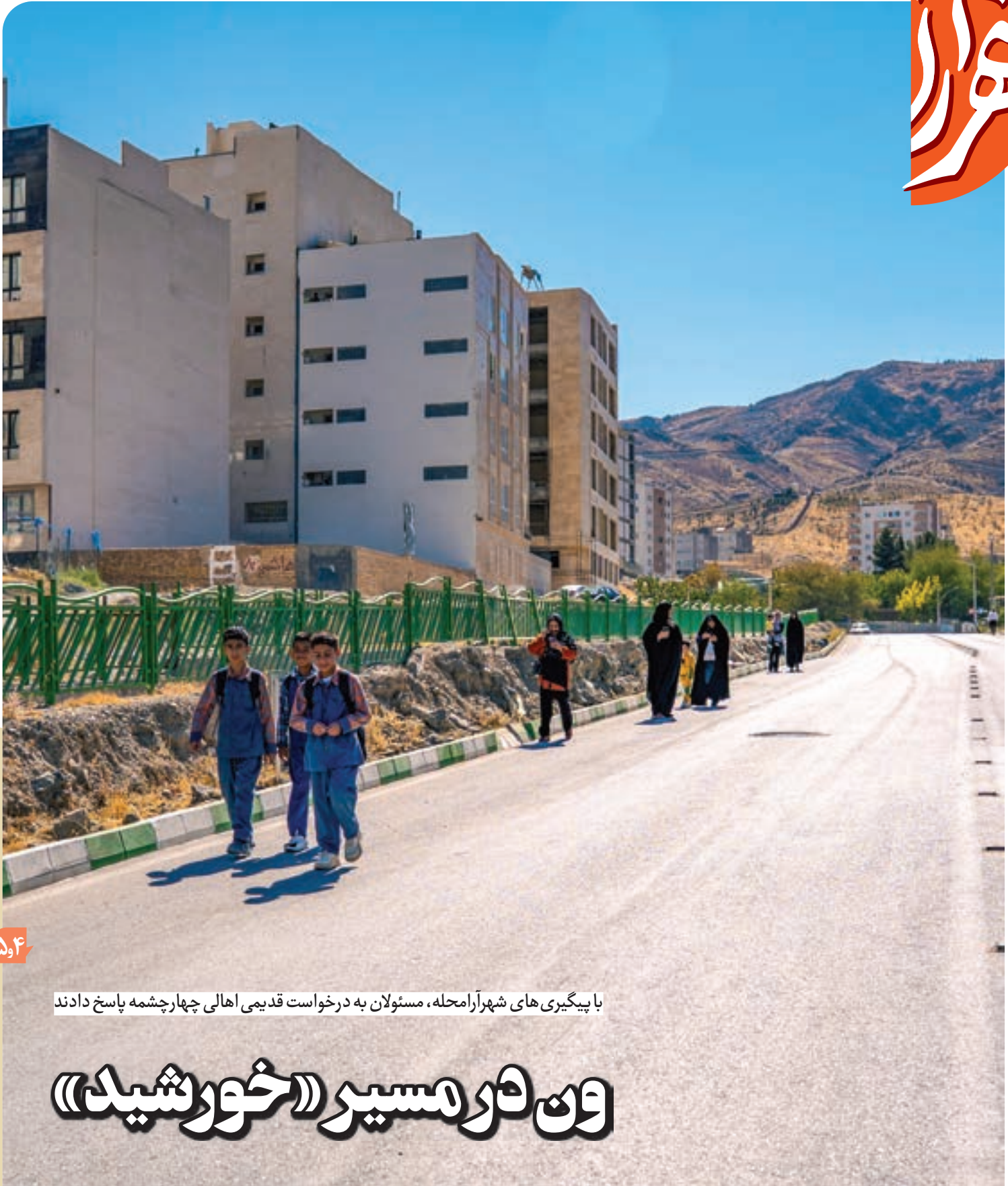




۵۴

با پیگیری های شهرآرامجله، مسئولان به درخواست قدیمی اهالی چهارچشمه پاسخ دادند

ون در مسیر «خورشید»

عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

جواد بُرسی پور، بازنشسته نیروی انتظامی
زندگی و خاطراتش را مرور می‌کند
خاکریز جبهه و جبهه خدمت

۶



اهالی و کسبه محله آب و برق

۲

از پیاده‌رو خاکی تقاطع بولوار هفت تیر و پیروزی گلایه دارند
سنگی جلو پای عابران

زمین چمن مصنوعی خیابان فلاحتی ۳۸
پاتوق ورزشکاران محله لشکر است
محله ما برزیل است

۷



اهالی و کسبه محله آب و برق
از پیاده رو خاکی تقاطع بولوار هفت تیر و پیروزی گلایه دارند

سنگی جلو پای عابران

رضایحی اپیداه روی بولوار هفت تیر، یکی از مسیرهای شلوغ تردد عابران در منطقه ۹ به حساب می آید. بخشی از این پیاده رو در تقاطع بولوارهای هفت تیر و پیروزی حدود سه ماه است به دلیل عقب نشینی خاکی است و دست اندازی بدمنظره و ناایمن برای اهالی و کسبه ایجاد کرده است؛ به ویژه اینکه در اطراف این بخش از بولوار هفت تیر به دلیل وجود ساختمان پزشکان، درمانگاه و چندین رستوران، رفت و آمد زیادی از سوی اهالی در جریان است و پیاده رویهای نامناسب هر لحظه ممکن است مشکلی برای رهگذران ایجاد کند.



● مصیبت داریم تا به درمانگاه برسیم

در تقاطع بولوارهای پیروزی و هفت تیر، درمانگاه، ساختمان پزشکان و داروخانه شبانه روزی قرار دارد که رفت و آمدهای رابیشتر کرده است. وجود همین مراکز درمانی باعث شده تردد عابرانی که سن و سال زیادی دارند یا با ویلچر تردد می کنند، کم نباشد. بهاره رحمانی که همراه مادرش به این مرکز درمانی آمده است، می گوید: پیاده رویهای مناسب برای این بخش از بولوار هفت تیر خیلی ضروری است؛ مادر خودم با ویلچر تردد می کند و هر روز برای فیزیوتراپی به اینجا می آیم. مصیبت داریم تا به درمانگاه برسیم. تا حالا دوسه بار چرخ ویلچر از بخش آسفالت پیاده رو به سمت خاکی منحرف شده و نزدیک بوده که مادرم واژگون شود. این حوادث برای ما شرایط را سخت تر می کند و روند درمان را به طور کلی تحت تأثیر قرار می دهد.

● پیاده رویهای نوبر هفت تیر

اگر یک بار به بولوار هفت تیر آمده باشید، می دانید که در سرتاسر این بولوار، رستوران و فست فود و آمیوه فروشی ها فعال هستند و این موضوع رفت و آمدهای رابیشتر کرده است. یکی از کسبه به نام جمال حسینی که حوالی تقاطع بولوار هفت تیر و پیروزی فعالیت می کند، به ما می گوید: چهره این بخش از بولوار، خیلی زشت شده و پیاده روی آن باعث شده است رفت و آمد کمتر باشد. باور کنید این موضوع روی مشتری های ما هم اثر گذاشت و تعداد آن ها را کم می کند؛ آن هم در

این وضعیت کساد بازار و اجاره های سرسام آور.

یکی دیگر از کسبه که نمی خواهد نامی از او منتشر شود، ادامه حرف های همکارش را می گیرد و می گوید: پیاده رویهای بولوار هفت تیر از اول تا آخر خراب و پیرا چاله است اما نزدیک بولوار پیروزی دیگر نوبت است و پیاده رویها خاکی است.

او ادامه می دهد: قبلا پیاده روی این بخش از بولوار هفت تیر آسفالت بوده است. آیا نمی شود تا زمان مرمت اساسی، بخش های خاکی را دوباره آسفالت کنند؟ این کار هزینه زیادی دارد؟

● اختصاص بودجه برای مرمت پیاده رو

موضوع معضل پیاده رویهای خاکی تقاطع بولوارهای هفت تیر و پیروزی را با رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۹ در میان می گذاریم. سیدهادی صالحی بعد از بازدید از این محدوده به شهرآرام محله می گوید: پیاده رویهای خاکی بولوار هفت تیر وضعیت مناسبی ندارد و نیازمند اصلاح و مرمت فوری است.

او ادامه می دهد: شهرداری منطقه ۹ برای اصلاح چندین نقطه از پیاده رویهای بولوار هفت تیر، بودجه ۱۶ میلیارد ریالی اختصاص داده که یکی از این نقاط، مرمت پیاده روی تقاطع بولوار هفت تیر و پیروزی است. صالحی درباره آسفالت بخش های خاکی پیاده روی می گوید: ابتدا باید آن بخش از پیاده رو که خاکی است، زیرسازی شود تا بعد از آسفالت، نشست نکند. همین کار هم مستلزم هزینه و انتخاب پیمانکار است که بعد از بازگشایی بودجه امکان پذیر است.

مردم و مسئولان منطقه مادر سامانه ۱۳۷

ریاحی اسعید حسینی زاده مقدم، شهردار منطقه ۹ هفته گذشته با حضور در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷، بدون واسطه و طی تماس تلفنی به مشکلات مردم پاسخ گفت. این گفت و گو حدود یک ساعت و نیم طول کشید.



تعداد پیام های مردمی

۱۵ تماس

شهرآرام محله پیگیری می کند

شهرآرام محله در هفته های آینده، موضوع درخواست رسیدگی به فضای سبز مجتمع پردیس و مرمت پیاده رویهای بولوار هفت تیر را پیگیری خواهد کرد.

درخواست های مربوط به حوزه خدمات شهری

در این بخش ۳ تماس برقرار شد و شهروندان درخواست جمع آوری سگ های ولگرد از کوچه نماز یک، و جمع آوری انبار ضایعات کوچه شهرستانی ۱۴/۳ و ۲۵/۱ را مطرح کردند.

درخواست های مربوط به حوزه شهرسازی

شهروندان طی ۵ تماس تلفنی درخواست رسیدگی به ساخت وسازهای غیرمجاز در خیابان های شهید صیاد شیرازی ۴۲، سرو ۶، بین وکیل آباد ۲۶ و ۲۸، لادن ۲ و درخواست جابه جایی بلوکه های بتنی پلمب ساختمان از پیاده رویهای خیابان شقایق ۱۰ را داشتند.

درخواست های مربوط به حوزه فنی و عمران

درخواست های تعریض معبر هفت تیر ۱۳، مرمت پیاده رویهای بولوار هفت تیر، بهسازی آسفالت بولوار هفت تیر در حدفاصل میدان هشت شهریور (میدان هشتصد) و بوستان باباکوهی، از سرگیری پروژه پیاده روی بولوار رضوی، رسیدگی به آسفالت خیابان لادن ۲۴/۱ موضوع ۵ تماس اهالی در این حوزه بود.

درخواست های مربوط به حوزه فضای سبز

در این حوزه ۲ تماس برقرار شد و شهروندان درخواست رسیدگی به فضای سبز مجتمع پردیس و آبیاری فضای سبز وکیل آباد ۲۲ را مطرح کردند.

همسایه به همسایه، دیدار بیست و هشتم، کوچه امامیه ۳

به محله ام احساس دین می کنم

رضاریاحی در روزگار پرهیاهوی این روزها که دیوارهای بلند ترودل هاگاهی دورتر شده اند، هنوز کوچه هایی هستند که عطر مهریانی در بین همسایه هایش جاری است. کوچه هایی که همسایه ها پناه و همراه و تکیه گاه یکدیگرند. کوچه امامیه ۳ در محله شریعتی، یکی از همین کوچه هاست؛ جایی که همسایه ها نه تنها از حال هم خبر دارند، بلکه برای هم دل می سوزانند، دست هم را می گیرند و بی هیاهو انسانیت را زندگی می کنند. در گشت و گذارمان در کوچه امامیه ۳ به یک نام آشنا می رسیدیم: سید مهدی حسینی، پدر بزرگ مهربان محله که هر روز در حسینیه صاحب الزمان (عج) حضور دارد و باعث وبانی پرداختن جوانان محله به امور فرهنگی است.

● بابابزرگ محله، پدر ۲ شهید است

حاج مهدی پدر دو شهید است و سه سال پیش، از احمدآباد اسباب کشید و آمد به قاسم آباد. از همان روز اول خودش داوطلب شد که خادم حسینیه صاحب الزمان (عج) باشد و حالا هر روز برای نماز مغرب و عشاء خودش را به حسینیه می رساند و از اهالی پذیرایی می کند. در این مدت، خیر همسایه داری حاج آقای حسینی به بقیه ساکنان کوچه رسیده است، به طوری که یکی از همسایه ها درباره اش می گوید: اهالی خیابان امامیه ۳ اصلاً خبر نداشتند خادم مهربان حسینیه، پدر دو شهید است تا اینکه یک روز برای تقدیر از بنیاد شهید آمدند و تازه ما خبردار شدیم که چه بزرگی در همسایگی ما زندگی می کند.

حاج مهدی به ما می گوید: بیست سال است که هر روز به حرم می روم، مگر اینکه مسافرت باشم. عصرها هم به حسینیه صاحب الزمان (عج) می آیم و اگر لازم باشد اینجا را جار می کنم، جای می گذارم و بعد از نماز هم بابچه ها از خاطرات شهدا و جبهه صحبت می کنم. خیلی از آن ها با همین حرف ها جذب حسینیه و فعالیت هایش شده اند.



● امنیت کوچه، خط قرمز حسین آقااست

وقتی قرار است سید مهدی حسینی از یک همسایه خوب برای مایگوید، بعد از درنگی حسین پژو هاشگر را معرفی می کند. از اخلاق خوش حسین آقا که بگذریم، فعالیت هایش حسابی به کار همسایه ها آمده است. مهدی آقا درباره اش می گوید: حسین آقا عضو شورای اجتماعی محلات است و همه وقتش را برای رفع مشکلات محله گذاشته است. کوچه ما نزدیک اراضی رها شده آستان قدس است که قبلاً آنجا کلی معتاد متجاهرو کارتن خواب زندگی می کردند. حسین آقا که امنیت کوچه، خط قرمزش است. آن قدر رفت و آمد تا شهرداری و آستان قدس و کلانتری پای کار آمدند و این معضل تا حد زیادی برطرف شد. مهدی آقا ادامه می دهد: پل هوایی سر کوچه ما فقط پله داشت و رفت و آمد اهالی به آن طرف بولوار امامیه سخت بود، اما با پیگیری حسین آقا و دوستان دیگر شورای اجتماعی، آسانسورش نصب شد.

حسین آقا به ما می گوید: من از بچگی در همین خیابان بزرگ شدم، برای همین به محله ام احساس دین می کنم. همه همسایه ها برای من عزیز هستند، از آن نابیانی که جلو خانه شان سرعت گیر نصب شد تا جوانان و نوجوانانی که همه همتان را گذاشتیم تا فضای سبز و پارک بازی کودکان را برایشان راه اندازی کنیم.



● کفش آهنین برای ساخت مسجد

مشکلی نیست که مربوط به همسایه باشد و آقای حاجی زاده به آن بی تفاوت باشد، این جمله را حسین پژو هاشگر درباره حسن اخلاق جواد حاجی زاده به زبان می آورد که به حال همسایه هایش حساس است.

حاجی زاده که جلو حسینیه را آب و جارو می کند، به ما می گوید: همیشه سعی کرده ام در فعالیت های فرهنگی محله حاضر باشم؛ برای همین جای مسجد در اطراف خانه ما خالی است. راستش این حسینیه کوچک و نقلی که در پیلوت خانه یکی از همسایه ها برقرار شده، گنجایش همه اهالی را ندارد؛ برای همین جواد آقا و بقیه همسایه ها پای کار آمده اند که زمینی پیدا کنند و در آن مسجد بسازند. حتی با چند خیر صحبت کرده اند که ساخت بخشی از مسجد را برعهده بگیرند. خود جواد آقا به ما می گوید: نزدیک ترین مسجد به کوچه ما بیشتر از یک کیلومتر فاصله دارد. طی کردن این مسافت برای خیلی از اهالی سن و سال دار سخت است؛ به همین دلیل بفقوله همسایه ها، کفش آهنین به پا کرده ایم و هر جا لازم باشد، می رویم تا این آرزوی اهالی خیابان امامیه ۳ برآورده شود.



کاشت ۱۲۰ هزار بوته گل پاییزی

به منظور زیباسازی منظر شهری، عملیات کاشت گل های فصلی مطابق طرح های گل کاری مصوب، در سطح منطقه در حال اجراست. بر این اساس ۱۲۰ هزار بوته گل پاییزه مانند بنفشه، مینا چمنی، داودی، همیشه بهار و کلم زینتی در مساحتی به وسعت ۳ هزار مترمربع در معابر منطقه ۱۰ در حال کاشت است. جمع آوری خاک مازاد، نشاء چمن و خاکریزی از جمله اقداماتی است که در راستای بستر سازی کاشت گل های پاییزه انجام می شود.

شهر خبر

۱۰

پاک سازی اراضی رها شده در منطقه ما

از ابتدای سال جاری، ۵ هزار تن خاک و نخاله از منطقه ۱۰ جمع شده است. در این مدت، همچنین بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار مترمربع از زمین های بایر منطقه پاک سازی شده است. عده کمی از شهروندان بدون توجه به توصیه ها و اخطارها، اقدام به دپوی خاک و نخاله در برخی زمین های رها شده سطح منطقه می کنند که از آن ها خواسته شده است در صورت مشاهده با سامانه ۱۳۷ تماس بگیرند.

قلع سازه های خطر آفرین

جلوگیری از ساخت و سازهای ناایمن در منطقه ۱۰ ادامه دارد. به همین منظور پس از طی مراحل قانونی، در شش ماه نخست امسال، هزار و ۷۴۰ مترمربع قلع بنا اجرا شده است. این متر اژ شامل قلع هفده سازه ناایمن است که بیشتر آن ها در محله رسالت بوده و بر اساس رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ و بند ۱۴ ماده ۵۵ انجام شده است.

ریاحی اشهردار منطقه ۱۰ از پیشرفت فیزیکی هفتاد درصدی احداث مرکز فرهنگی اجتماعی «رویش» در محله خاتم الانبیا (ص) خبر داد.

وحید برجسته نژاد اعتبار این پروژه را ۲۰۰ میلیارد ریال عنوان کرد و گفت: پروژه مرکز رویش به متراژ هزار و ۲۵۰ مترمربع در چهار طبقه با کاربری فرهنگی و اجتماعی در بوستان سپیدار محله خاتم الانبیا (ص) در حال اجراست و تاکنون هفتاد درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

به گفته برجسته نژاد، توانمند سازی مردم در محلات مورد هدف باز آفرینی به منظور ایجاد اشتغال، از مهم ترین وظایف مراکز رویش است؛ بر این اساس تعداد زیادی کسب و کار کوچک خانگی با نیاز جدی به حمایت، ارتقا و جذب سرمایه، در محلات کم برخوردار منطقه ۱۰ شناسایی شده اند.

او در ادامه افزود: از دل این احساس نیاز، ایده ایجاد مراکز رویش متولد شد؛ مراکزی که در آن ها همه تولید کنندگان خانگی، امکان گسترش فعالیتشان را دارند و به پیشران های اقتصادی متصل می شوند؛ همچنین افراد مستعد نیازمند به کار، پس از آموزش وارد بازار کار می شوند و به درآمد می رسند. شهردار منطقه ۱۰ با ابراز امیدواری از تعامل سازنده با نهاد های متولی بیان کرد: پس از ایجاد مرکز فرهنگی اجتماعی «رویش» در محله خاتم الانبیا (ص) با همکاری نهاد های همچون فنی و حرفه ای، اداره کل ارشاد، نهاد کتابخانه ها و بهزیستی و... اقداماتی در راستای استفاده بهینه و توانمند سازی شهروندان آن محله صورت می پذیرد.



شهردار منطقه ۱۰ از احداث مرکز فرهنگی اجتماعی «رویش» در محله خاتم الانبیا (ص) خبر داد

همراهی با
کسب و کارهای
خانگی

مسیر آسفالت شد اما اتوبوس نیامد

خیابان خورشید حدود چهارصد خانواده را در کوچه پس‌کوچه‌های خود جای داده و از سال ۱۳۸۴ به عنوان محدوده شهری شناخته شده است. با وجود این، تاکنون سهم کمی از امکانات شهری داشته است که یکی از مصدیقش، محروم بودن از وسایل حمل و نقل عمومی است. هیچ اتوبوس یا مینی بوسی در این مسیر رفت و آمد نمی‌کند. بعد از مدت‌ها پیگیری اهالی و شورای اجتماعی محله چهارچشمه، سال ۱۴۰۲ طی جلسه‌ای در فرمانداری مصوب شد که بعد از آسفالت شدن مسیر دسترسی به خیابان خورشید، اتوبوس رانی به آن‌ها خدمات دهد. محبعلی اسدی، نایب رئیس شورای اجتماعی محله چهارچشمه، ادامه این روند را این طور تعریف می‌کند: بعد از این مصوبه، اهالی پیگیری‌های زیادی انجام دادند تا مسیر آسفالت شود. سرانجام سال گذشته، این موضوع محقق شد اما همچنان ما ز داشتن اتوبوس یا مینی بوس عمومی محروم هستیم.

او توضیح می‌دهد: در این مدت، چندین دفعه مسئولان شهرداری و اتوبوس رانی و اعضای شورای شهر از این محدوده بازدید کرده و قول پیگیری و مساعدت داده‌اند اما تاکنون که وعده آن‌ها محقق نشده است.

به گفته این عضو شورای اجتماعی محله، در زمان آسفالت کردن، دو مسیر مجزا برای رفت و برگشت اتوبوس در نظر گرفته شد تا بتواند به راحتی دوربزند و عرض بولوار کم نباشد. همچنین بعد از اتمام مراحل ساخت مسیر، یک اتوبوس را آوردند و طبق نظر کارشناسان اتوبوس رانی و پلیس راهور، اشکالات را برطرف کردند اما با همه این تمهیدات و پیگیری‌های مداوم، هنوز اتوبوس یا مینی بوس به ما داده نشده است.

فهمه شهری پلاستیک‌های میوه را در دستش گرفته است و نفس نفس زنان و در حالی که از سر و رویش عرق می‌ریزد، مسیر دور و طولانی پیش رویش را نگاه می‌کند. هی خسته می‌شود و پلاستیک‌ها را روی زمین می‌گذارد و باز به مسیر پیش رویش نگاه می‌کند. انگار طولانی‌تر از همیشه شده است. هرچه می‌رود، تمامی ندارد و نمی‌رسد. تنها او این طور نیست. تقریباً همه ساکنان بدون وسیله خیابان خورشید، هر وقت بخواهند رفت و آمد کنند از نفس می‌افتند. جوان و پیر ندارد. زن، مرد، بچه، بزرگ؛ برای همه همین طور است!

از آخر خیابان خورشید تا نزدیک ترین ایستگاه اتوبوس (هاشمیه ۹۱) حدود هزار و ۲۰۰ متر فاصله است و اهالی باید در سرما و گرما این مسیر شیب دار را طی کنند. هر سال با بازگشایی مدارس، مشکلات رفت و آمدی ساکنان دوچندان می‌شود؛ زیرا سرویس‌های مدارس هم به آنجا نمی‌آیند و والدین باید خودشان تک‌تک فرزندان را به ایستگاه اتوبوس برسانند و هر روز حداقل چهار بار این مسیر را پیموده طی کنند. این رفت و آمدها آن قدر سخت و طاقت فرسا است که در پس هر آه و ناله، یک حرف را مدام تکرار می‌کنند: مسئولان خودشان یک بار این مسیر را ببینند ما چه می‌کشیم!

تریلی می‌تواند بیاید؛ اتوبوس نه!

حمید سحرخیز، رئیس شورای اجتماعی محله چهارچشمه، ادامه می‌دهد: قرار نیست اتوبوس اضافه شود؛ تنها درخواست ما این است که یکی از اتوبوس‌ها یا مینی بوس‌های بولوار هاشمیه، ادامه مسیر دهد و از آخر هاشمیه وارد نماز یک شود تا ساکنان خورشید، مسافت کمتری برای رسیدن به ایستگاه اتوبوس طی کنند.

او با اشاره به اینکه ایستگاه اتوبوس می‌تواند نبش محدوده صمانی ۲ و صمانی ۶ جانمایی شود، می‌گوید: نمی‌دانیم دلیل این همه تعلل در تحقق این وعده چیست. بارها شنیده‌ایم که می‌گویند چون این مسیر شیب دارد، مناسب اتوبوس نیست، در حالی که شیب اینجا بیشتر از کوهسار نیست. همچنین ارتفاعی که خیابان اینجا دارد، در بسیاری از خیابان‌ها و محله‌های دیگر هم هست و همه آن‌ها از خدمات اتوبوس رانی استفاده می‌کنند.

مشغول همین صحبت‌ها هستیم که یک تریلی از خیابان بالامی رود، سحرخیزان را نشان می‌دهد و با تأکید می‌گوید: ببینید اینجا مدام ماشین‌های سنگین و تریلی رفت و آمد دارند؛ چطور این‌ها می‌توانند بیایند اما اتوبوس یا مینی بوس نمی‌تواند بیاید.

به گفته سحرخیز ساکنان خیابان خورشید سیصد فرزند محصل دارند و با آغاز سال تحصیلی، مشکلات رفت و آمدی آن‌ها چند برابر شده است.

۹

با پیگیری‌های شهرآرامحله، مسئولان به درخواست قدیمی اهالی چهارچشمه پاسخ دادند

ون در مسیر «خورشید»

داستان جلد



آسفالت ورودی خیابان خورشید برای تردد آسان وسایل حمل و نقل عمومی
در تاریخ فروردین ۱۴۰۴



مصوبه فرمانداری مشهد مبنی بر ارائه خدمات اتوبوس رانی به اهالی خیابان خورشید
در تاریخ ۱۳ آذر ۱۴۰۲

مشکلی به نام شیب تند خیابان

این درخواست شهروندان خیابان خورشید را با مسئولان اتوبوس رانی در میان گذاشتیم. بعد از چندین هفته که پاسخ رامنوط به برگزاری جلسه و بازدید کردند. در نهایت اعلام کردند که فعلا جانی ای ایستگاه اتوبوس در ابتدای خیابان خورشید ممکن نیست. در ادامه، سراغ محسن بخشی، معاون هماهنگی امور عمرانی فرمانداری مشهد، رفتیم. او پس از پیگیری این موضوع به ما اعلام کرد که پلیس راهور مجوز این موضوع را نداد است. به دنبال این گفته، با سرهنگ هادی امیدوار، رئیس پلیس راهور خراسان رضوی تماس گرفتیم. وی اظهار نظر قطعی رامنوط به بازدید از این فضا اعلام کرد.

او ادامه داد: مسئولان اتوبوس رانی یک نامه کتبی بزنند تا بعد از بازدید، جواب قطعی را اعلام کنیم. امیدوار بر اساس مشاهدات قبلی اعلام کرد: شیب ورودی خیابان خورشید تند است و اگر قرار باشد اتوبوس آنجا برود، باید دارای معاینه فنی و استاندارد باشد تا در سربالایی و سربالایی با مشکلاتی مانند ترمز بریدن مواجه نشود. به گفته سرهنگ امیدوار برای مینی بوس یا ون مشکلی نیست و اتوبوس رانی می تواند برای جابه جایی مسافران ابتدای خیابان خورشید از این وسایل استفاده کند.

هر ساعت یک ون

از آنجا که اعضای شورای شهر در بازدیدهای خود از خیابان خورشید، قول مساعدت و رفع این مشکل را داده بودند. در ادامه پیگیری ها سراغ رئیس کمیسیون عمران، حمل و نقل و ترافیک شورای اسلامی شهر مشهد رفتیم. مجید نژاد حسین قول پیگیری موضوع را داد و بعد از آن، ایمان فرهنگندی، نایب رئیس کمیسیون از خیابان خورشید بازدید کرد. فرهنگندی پس از این بازدید و هماهنگی با مسئولان اتوبوس رانی به شهرآرامحله گفت: شهروندان این منطقه نیاز به سرویس دهی و حمل و نقل عمومی دارند و باتوجه به بهسازی هایی که برای آسفالت آن ها انجام شده است، می توان این امکان را برایشان فراهم کرد.

او ادامه می دهد: قرار است از ظرفیت فعلی مینی بوس های بولوار نماز استفاده شود و هر یک ساعت، یک ون یا مینی بوس به آنجا سرویس دهی کند.

فرهنگندی بیان می کند: درخواست شهروندان این بود که مینی بوس از حاشیه بولوار نماز به داخل آن بیاید که این خواسته محقق شده و به زودی اجرایی می شود.

به گفته نایب رئیس کمیسیون عمران، حمل و نقل و ترافیک شورای اسلامی، ابتدا این ون یا مینی بوس به صورت آزمایشی، کار خود را شروع می کند و اگر تعداد مسافران کافی باشد، فعالیتش ادامه دار می شود.

شهروار پیگیر این درخواست مردمی هست و خبرها و اقدامات بعدی را در این زمینه اطلاع رسانی می کند.



سهام مایک ایستگاه اتوبوس نیست؟

حجت الاسلام سید جواد حسینی که چهارده سال است در این خیابان سکونت دارد، می گوید: مابه خاطر دور بودن از اتوبوس، برای ابتدایی ترین کارهای زندگی مدت ها در مسیر هستیم. به عنوان مثال من هر بار می روم نان بگیرم، یک ساعت ونیم در مسیر هستم. در حالی که اگر در ابتدای خورشید، یک ایستگاه اتوبوس داشته باشیم، می توانیم با اتوبوس، خودمان را به نانوایی های بولوار نماز یا هاشمیه برسانیم.

او که روحانی و مدرس در شهر تربیت جام است و سه چهار روز هفته را مشهد نیست، ادامه می دهد: یکی از دغدغه ها و نگرانی های من این است که در نبودم، زن و بچه ام چطور خودشان را به نانوایی یا مدرسه برسانند؛ به ویژه وقتی مدرسه فرزندم شیف عصر است، تا برسد خانه، شب شده و این مسیر به شدت ناامن است.

جواد آقا با نارا حتی ابراز می کند: یعنی از بیست سال پیش تا کنون، سهم ما از امکانات شهری به اندازه یک ایستگاه اتوبوس نبوده است؟ بعد هم با تا کید می گوید: خانم خبرنگار باتیتر درشت بنویس که مسئولان به وعده شان درباره اتوبوس خیابان خورشید عمل نکرده اند. تا وقتی مسیر خاکی بود، چشم کشیدیم که آسفالت شود؛ حالا که آسفالت شده باز هم اتوبوس یا مینی بوس نمی دهند.

ایستگاه باشد، راهمان نصف می شود

مادر دودانش آموزش است و دل پردردی از یاد دارد، می گوید: سرویس های مدرسه به نیت نمی آیند. دوازده سال پیش که پسر بود، من در دوران حاملگی، هر روز چهار بان خورشید تا آخر هاشمیه را می رفتم تا پسر مرا به ایستگاه اتوبوس برسانم. بزرگم به دنیا آمد، در سرما و گرما، زیر ف و باران و گل ولای، با بچه در بغل، این ستم و برمی گشتم. خدا را خوش نمی آید پس نمی دهند. یک بار خودشان بیایند و بروند و ببینند که چقدر سخت است. مایه و سبزی و... هم دستان باشد، نمی ماند.

هد: حالا که پسر بزرگ تر شده است، می رود اما د خترم را هر روز باید به مدرسه و دنبالش و برگردانم به خانه. هر بار هم حدود دو ساعت طول می کشد. البته طور نیستیم. بیشتر مادرها دارند چنین تحمل می کنند. حتی آن بندگان خدایی نشان در دو مدرسه جدا هستند، خیلی می شوند. شما با شید خسته نمی شوید؟ در این رفت و آمد ها چه عذایی می کشیم. لی مسیر در گرمایی طاقت می شویم و ف و سرما، به خدا انصاف نیست!

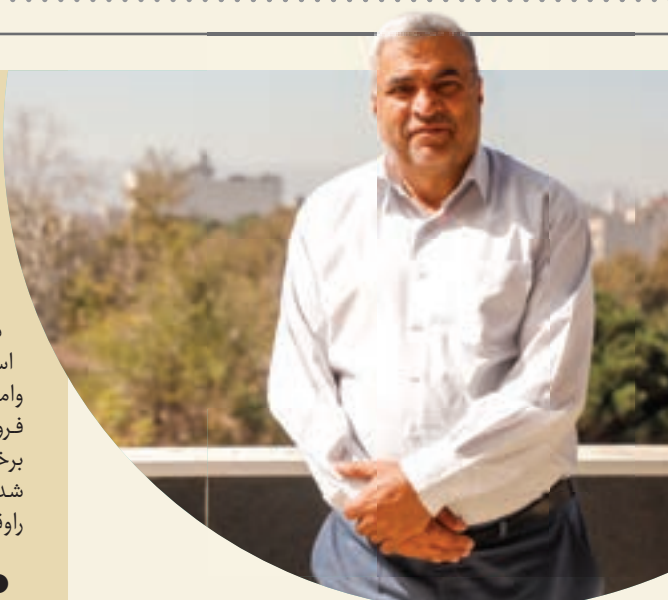
د همسایه های سالمندان می کند و که جوان هستیم در این مسیر از نفس لایبید سالمندان عصابه دست چقدر ند. بنده خدا همسایه ما خیلی وقت ها بن را می زند. حق دارد؛ نمی تواند این رود. تاکسی های اینترنتی هم معمولا نیت نمی آیند. اگر هم بیایند، هزینه یرند. مردم ندارند این هزینه ها را

کند: اگر ابتدای بولوار خورشید، یک بوس برایمان بگذارند، راهمان نصف



جواد بُرسی پور، بازنشسته نیروی انتظامی، زندگی و خاطراتش را مرور می‌کند

خاکریز جبهه و جبهه خدمت



● ○ خیریه خانوادگی

آقا جواد باوردی به اتفاق خواهران و برادر مرحومش باوقف ملک پدری و کمک به نیازمندان، توانسته ارزش‌های انسانی را حفظ کند و به همین دلیل به زندگی خانوادگی و فعالیت‌های خیریه خود افتخار می‌کند. بُرسی پور به خانه پدری اش اشاره می‌کند که سال‌هاست تبدیل به خیریه علی بن ابی طالب (ع) شده است و می‌گوید: پس از فوت پدر و مادر، مدیریت خانه و اموال خانوادگی بر عهده من افتاد؛ از این رو تصمیم به فروش ملک گرفتم. در جریان فروش خانه به مشکلاتی برخوردیم و مجبور شدیم خانه را پس بگیریم. این طور شد که با همراهی یکی از دوستانم خانه ۷۶ متری پدری را وقف خیریه و کمک به ایتام کردیم.

● ○ بازنشستگی و توجه به توصیه پدر

این سروان بازنشسته یاد توصیه‌های پدرش می‌افتد و خبری که در زندگی اش جریان دارد. او تعریف می‌کند: یک روز به پدرم گفتم بیشتر هم خدمتی‌هایم به درجه‌های سرهنگی رسیده‌اند، ولی من نه. او به من گفت هرگز اعتراض نکن، قسمتت همین بوده و با همین درجه خدمت کن. با اینکه بعد از بازنشستگی متوجه شدم برخی تشویقی‌ها هم به من تعلق گرفته بوده، ولی به موقع ابلاغ نشده است، به صحبت پدرم تکیه کردم. برای همین در دهه ۷۰ در اوج ناباوری توانستم در محله‌ای که به آن علاقه داشتم، خانه‌ای بخرم و از همان زمان آنجا ساکن شوم. او که کوشیده است بیشتر خاطرات سال‌های جبهه و خدمتش را در دفتری ثبت کند، به خاطره حضور حاج صادق آهنگران در جبهه اشاره و بیان می‌کند: دفعه پنجم که به جبهه اعزام شدم، بیست و پنج ساله بودم. در لشکر ۷ ولی عصر (عج)، یک شب حاج صادق آهنگران هم در جمع رزمندگان ما آمده بود. شستم خبردار شد که خبری است. همین طور هم شد؛ عملیات بود. عملیاتی دشوار که سبب شد از جمع هفت هشت نفری دوستان، تنها سه نفر برگردیم. البته یماند که در نهایت تک و تنها ماندم و همه دوستانم شهید شدند.

● ○ در کنار سختی‌ها به خوبی گذشت

فریده رسولی حدود چهار سال می‌شود که شریک زندگی آقای بُرسی پور است. او از شانزده سالگی و سال‌های ابتدایی زندگی اش تعریف می‌کند: بعد از اینکه عقد کردیم، بیشتر از دو ماه بود که از همسر بی‌خبر بودم. آن زمان به دلیل نبود تلفن، باید به مسجد محله مراجعه می‌کردیم و جویای حال رزمندگان می‌شدیم. با این همه، بیشتر روزهایمان بابتی خبری و دلواپسی می‌گذشت. فریده خانم با بیان اینکه وقتی رفت و آمد به جبهه هاتمام شد، انتقالی‌ها از منطقه‌ای به منطقه دیگر شروع شد، می‌گوید: خاطرم هست در «درو»، جایی بین بیرجند و سریش، شب‌ها برق قطع می‌شد و باید گرد سوز روشن می‌کردیم. صبح‌ها که بیدار می‌شدیم، عقرب‌ها را می‌دیدیم که دور و بر چراغ جمع شده‌اند و چاره‌ای جز تحمل نداشتیم. رسولی با قدردانی از مردم خوب ایرانشهر می‌گوید: خاطرم هست در بارداری سوم، این مردم ایرانشهر بودند که به دادم رسیدند. زیرا آقای بُرسی پور به دلیل شرایط شغلی اش ناچار بود دائم در پاسگاه‌ها باشد. روزگاری که سخت بود، ولی به خیر و خوبی گذشت.

● ○ حمایت از کودکان رهانده

سروان بازنشسته نیروی انتظامی به سال‌های خدمتش در کمیته انقلاب اسلامی حرم امام رضا (ع) اشاره و بیان می‌کند: از جمله اتفاقات تلخی که آن سال‌ها پیش سرهم با آن روبه‌رو می‌شدم، رها کردن نوزادان در حرم بود. فراموش نمی‌کنم یک شب سرد زمستان را که نوزادی را روی برف‌ها پیدا کردم. خودم رفتم بچه را برداشتم و او را به داخل کمیته حرم آوردم. برای تکرار این حادثه‌های تلخ بود که از مادرم خواسته بودم گاهی به حرم بیاید و به این بچه‌ها رسیدگی کند. تقریباً شبی دوسه بچه شیرخوار را در حرم رها می‌کردند. مادرم هم اغلب در حرم حضور داشت و در کنار دیگر خواهان، سرپرستی کودکان بی‌سرپرست را برای مدتی در حرم بر عهده می‌گرفت.

● ○ سال‌های خدمت در ایرانشهر

بُرسی پور گریزی به سال‌های خدمتش در ایرانشهر می‌زند و اتفاقاتی که توانسته جان سالم از آن‌ها به در برد. او می‌گوید: سال ۷۸، فرمانده حوزه انتظامی بمپور ایرانشهر بودم. به من اطلاع دادند حال پدرم مساعد نیست و باید خودم را فوری به مشهد برسانم. آن زمان سه پسر داشتم و خانواده‌ام هم در ایرانشهر زندگی می‌کردند. همراه خانواده، خیلی شتاب زده ساعت یک با مادام ماشین شخصی راهی شدیم. حوالی منطقه ریگی، ماشین جوش آورد و ناچار به توقف شدیم؛ در منطقه‌ای که مشهور به حضور اشرار و خطرناک بود. تعریف می‌کنم که چگونه بایاری خداوند از دل خطر عبور کردند. در حالی که اشرار می‌توانستند اتفاقات بدی را برایشان رقم بزنند، «در آن شرایط، یک خودروتویوتا با جمعیت سرنشینان زیاد و مسلح، توقف کرد تا دلیل کنار زدن ما را بپرسد. من در شرایطی که سعی می‌کردم روحیه‌ام را حفظ کنم، به ناچار مشکل را برای آن‌ها شرح دادم. خوشبختانه یکی از سرنشینان آن خودرو، به طور موقت مشکل ماشین را برطرف کرد و ما راه افتادیم. اما پنج شش کیلومتر جلوتر دیدم همان ماشین چپ کرده است. بعد از آن حادثه، در حالی که مابه سلامت به مقصد رسیدیم، با اطلاعی که از پاسگاه گرفتم، متوجه شدم سرنشینان آن ماشین از اشرار بودند.»

● ○ خدمت‌های پی‌درپی

بُرسی پور به روزهای نو جوانی اش برمی‌گردد و می‌گوید: مسیر زندگی ام در آن سال‌ها با خدمت و سپس مسئولیت همراه شد. در سال ۱۳۶۱ سه بار به جبهه اعزام شدم و در عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان حضور داشتم. حضوری که در آخرین عملیات و با اصابت چند ترکش، منجر به ده درصد جانبازی شد. اما جبهه برای بُرسی پور پایان خدمت کردنش به میهن نبود. پس از تجربه جبهه، یکی از دوستانش، حسن محمد رضایی، او را تشویق کرد که به کمیته انقلاب اسلامی بپیوندد. با وجود سختگیری‌های اولیه، بُرسی پور و چند نفر از دوستانش موفق شدند استخدام شوند؛ «اولش ما را پذیرش نکردند. یک نگهبان مسن آنجا بود که وقتی جواب من را شنید که برای چه کاری آمدم، یک لگد به مازد و بیرونمان کرد. با این حال روز بعد دوباره که سه چهار نفری مرا جعه کردیم، خوشبختانه آن نگهبان نبود. ساختمان کمیته ابتدای خیابان پاسداران بود. رفتم طبقه بالا. بخش کارگزینی. آنجا یک روحانی به نام جهادی بود. شناسنامه‌های ما را گرفت و بعد که فامیلی من را دید، پرسید: اسم پدرت حسین است؟ گفتم بله. پدرم از اعضای هیئت امنای مسجد ابوالفضل محمدآباد بود. به غیر از آن همان روحانی به خانه پدری می‌آمد و روضه می‌خواند. این طور شد که با شناختی که از هر چهار نفرمان داشت، استخدام شدیم.» بُرسی پور بعد از آن، یک دوره یک ماهه آموزشی نظامی را گذراند. سپس به واحد کمیته حرم منتقل شد، جایی که از نظر خدمت برایش ایده‌آل بود و وظایف مختلفی از جمله حفاظت شخصیت‌ها و برقراری امنیت حرم بر عهده‌اش بود. این بازنشسته نیروی انتظامی، در سال‌های پس از خدمت در بیگان حفاظت هم، برای بار چهارم و پنجم و هر بار به مدت چهار ماه راهی جبهه شد و در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵، مرصاد حضور داشت. خودش می‌گوید: خیلی دنبال زندگی آرام نبودم و در سال‌های خدمتم در کمیته، سپس نیروی انتظامی، جزو اولین داوطلبان برای هر مأموریتی بودم.



زمین چمن مصنوعی خیابان فلاحی ۳۸، پاتوق ورزشکاران محله لشکر است

محله ما برزیل است

است و بیشتر بچه ها فوتبال نیستند. بعد هم ادامه می دهد: تابستان که می شود، در این زمین چمن مصنوعی، جا برای سوزن انداختن نیست. همیشه ده نفر در حال بازی هستند و ده نفر هم در نوبت که زمین خالی شود ورزش کنند. تابستان که می شود، پاتوق من و بچه های محل اینجاست؛ چون نور خوبی دارد و پارک هم امن است، یک روزهایی تادیروقت می مانیم و بازی می کنیم.

آرش اهل صحبت نیست ولی امیرحسین می گوید: چندین مدرسه فوتبال، تمریناتشان را اینجا انجام می دهند. این محله پُر از استعداد فوتبالی است. همه استعدادهای فوتبال قاسم آباد این زمین چمن را می شناسند و یکی دو تا از بچه ها در لیگ استانی هم بازی می کنند. من هم خودم دوست دارم فوتبال را به صورت حرفه ای دنبال کنم.

● محیطی امن و آرام

چند نفر از والدین کنار فنس ورزشی چمن مصنوعی بوستان فک ایستاده اند و مشغول تماشای تمرین بچه ها هستند.

هوشنگ سلطانی، پدر یکی از بچه ها، می گوید: هر روز ظهر وقتی پسرم از مدرسه برمی گردد، با دوستانش اینجا قرار دارند و یک ساعت فوتبال بازی می کنند. هنوز هوا خوب است و من هم مشکلی با این موضوع ندارم. اینجا جو خوبی دارد، بچه های باادبی هستند و محیطش هم آرام و امن است.

ما می گوید: همین دو هفته پیش، چمن اینجا را تعویض کردند. نگاه کنید: مثل موکت صاف و یکدست است و بچه ها از بازی در آن لذت می برند. مدتی بود که این فضا چمن مناسبی نداشت و بخش هایی از آن کنده شده بود، اما امسال هم به لحاظ زیرسازی و هم به دلیل امکاناتی مانند نور و نیمکت و وضعیت چمن شرایط خوبی پیدا کرده است. آقا رضا ادامه می دهد: این زمین یک رختکن کم دارد؛ وقتی رخت کن نباشد، بچه ها مجبورند در کنار زمین، لباس خود را عوض کنند و چون افراد زیادی مشغول رفت و آمد به بوستان هستند، چهره خوشایندی ندارد.

● پاتوق فوتبالبست های محله

کسری بادی به غیغ می اندازد و می گوید: محله ما مثل برزیل

رضاریاحی در دل محله لشکر، جایی است که صدای خنده بچه ها و توپ هایی که با شور و شوق به فنس های اطراف زمین می خورد، حال و هوای خاصی برای اهالی ایجاد کرده است. زمین چمن مصنوعی بوستان فک، جایی است که برای خیلی از فوتبالبست های کوچک محله، حکم استاد یوم آزادی را دارد و مسابقات داغ و پرهیجان در آن برگزار می شود.

این زمین چمن محبوب، امسال مرمت شده است و بچه ها راحت در آن بازی می کنند. انگار این چمن تازه، جان دوباره ای به پارک داده است؛ محیطی امن، پرنشاط و پراز رؤیاهای فوتبالی که هر روز از دل محله جوانه می زند.

● این زمین یک رختکن کم دارد

زمین چمن مصنوعی بوستان فک پنج سال پیش ساخته شده است و بیش از ۱۲۰۰ مترمربع مساحت دارد. این مجموعه ورزشی، یکی از سه چمن مصنوعی منطقه ۱۰ به حساب می آید که در محله لشکر و خیابان فلاحی ۳۸ قرار دارد و روزانه هزار نفر در آن ورزش می کنند؛ البته هر چه سرمایه هوا بیشتر شود، این استقبال کمتر می شود.

هوا در اولین روزهای ماه مهر خنک است و دوازده نفر در زمین، مشغول بازی و تمرین هستند. بین آن ها بازی کسری، امیرحسین و آرش بیشتر به چشم می آید. مربی شان، رضا راه چمنی هم کنار زمین ایستاده است و با دقت تمرین بچه ها را زیر نظر دارد. او به



نه، فقط خودم کاراته کار می کنم. یک برادر هم دارم که نه سالش است.

● در کنار ورزش، وضعیت درسی ات چطور است؟

کلاس نهم درس می خوانم و معدل من معمولاً خوب است.

● کمربند فعلی ات چیست؟

مشکی و حدود چهار سال است دان یک دارم و آزمون دان دورا هم داده ام، ولی هنوز حکم رسمی نیامده، چون معمولاً صدورش زمان می برد.

● مهم ترین مسابقه ای که تا حالا شرکت کردی، کدام بوده است؟

مسابقات بین المللی امسال که سه هفته پیش برگزار شد. از چند کشور همسایه مثل عراق، افغانستان، پاکستان و بحرین شرکت کننده داشت و من مدال طلای مسابقات را به دست آوردم. سال گذشته هم یک عنوان اولی و مدال طلای جشنواره کشوری شین کیوکوشین کای را به دست آوردم.

● چه چیزی در کاراته برایت جذاب تر است؟

نظم. کاراته به من یاد داده است که زندگی ام نظم داشته باشد. احترام بگذارم و غرور بی دلیل نداشته باشم. این رشته حس قدرت و اعتماد به نفس بدون تکبر به ورزشکار می دهد.

● برای آینده چه برنامه ای داری؟

چند وقت پیش قرار بود به مسابقات آسیایی برویم ولی به خاطر مشکلات مالی و اینکه فدراسیون بود چه نداد، اعزام لغو شد. اگر فدراسیون حمایت کند، دوست دارم در مسابقات آسیایی یا جهانی شرکت کنم، ولی فعلاً می خواهم کاراته را ادامه بدهم تا به سطح استادی برسم. هدفم رسیدن به دان های بالاتر و مربیگری حرفه ای است.

با آرش دلربایی، کاراته کار نوجوان مشهدی که چندین مدال قهرمانی دارد

کاراته برایم نظم و زندگی است



امید محله

بین المللی که در مشهد برگزار شد، مقام دوم را به دست آوردم.

● شرکت در این مسابقات با هزینه های شخصی بود؟

معمولاً با هزینه شخصی در مسابقات شرکت می کردم. از طریق باشگاه ها و مربی هایم از مسابقات مطلع می شدم، انتخابی شرکت می کردم و بعداً اگر قبول می شدم به مسابقات بین المللی می رفتم.

● مجموع مدال هایی که تا امروز گرفتی، چه تعداد است؟

خیلی مدال دارم؛ در مجموع مسابقات استانی و کشوری و بین المللی نوزده مدال طلا، ده مدال نقره، پنج مدال برنز. یادیدن این مدال ها با همان انگیزه روز اول تمرین می کنم.

● در خانواده ات فرد دیگری هم ورزشکار هست؟

شاهیان ایشمارش تعداد مدال هایش در پانزده سالگی از دستش در رفته است. همین امسال یک مدال طلا در مسابقات بین المللی ۲۰۲۵ تهران کسب کرده است. آرش دلربایی نوجوان ساکن محله خاتم الانبیا (ع) از شش سالگی بایک برکه تبلیغ، وارد تاتامی شده و با جدیت و پیگیری اش ورزش را تا امروز که دان یک دارد، ادامه داده است. او البته در آزمون دان ۲ هم موفق بوده و منتظر یک خط دیگر روی کمربند مشکی اش است.

● از چند سالگی کاراته را شروع کردی؟

حدود دوازده سالگی. یک روز برکه تبلیغ کلاس کاراته را جلو در خانه مان دیدم. برکه را به مادرم نشان دادم و بعد با موافقت پدر و مادرم ثبت نام کردیم. از همان زمان، این مسیر برایم شروع شد. الان تقریباً هشت سال است که به طور جدی کاراته کار می کنم.

● پس، از کودکی روحیه رزمی داشتید؟

راستش از همان موقع انرژی زیادی داشتم و عاشق حرکات رزمی بودم.

● از موفقیت ها و مسابقاتت بگو. اولین مسابقه بین المللی ات چه زمانی بود؟

اولین بار سال ۲۰۱۹ در مسابقات بین المللی در تهران شرکت کردم و به مقام چهارم رسیدم. بعد سال ۲۰۲۱ در مسابقات





برای آشنایی بیشتر به کانال شهرآرامجله منطقه ۹ و ۱۰ در تلگرام و اینستاگرام بپیوندید

رازی، استادیوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، ایثارگران، امام‌هادی (ع)، خاتم‌الانبیا (ص)، میثاق

محلات منطقه‌ها

نوفل لوشاتر، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیروهای، آب‌وپرق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق (۱ و شقایق ۲، گل‌دیس، ولی عصر (عج)

محله امام‌هادی (ع)

سیدشکور فروتن نماینده ایثارگران و رئیس شورا	تکتم صفری فخرآباد نماینده بانوان و نایب رئیس شورا
جواد مجرد نماینده پایگاه‌های بسیج	غلامرضا دانشمند نماینده مدارس
مصطفی اکرمی نماینده تشکل‌های مردمی	محمد زارع نماینده کسبه
سجاد عباسیان نماینده جوانان	محمد باقر قائمی نماینده ساکنان
مرتضی یزدانی نماینده ساکنان	جواد قهرمان نماینده هویتی
آرزو حاجی‌زاده نماینده هویتی	سجاد صدیقی نماینده فرمانداری
افسانه عابدی رشتخوار نماینده بهداشت	حسن احمدی دانیالی نماینده پیشگیری از وقوع جرم

حسین سراقی نوغانی رئیس شورا	حجت الاسلام حامد قاینی نژاد نماینده مساجد
ملیحه بنایی نماینده بانوان و نایب رئیس شورا	حسن رجبی نماینده پیشگیری از وقوع جرم
محمد رضانوری نماینده تشکل‌های مردمی	محمد قاسمی دانا نماینده کسبه
علیرضا غریبی نماینده کلاتتری	حسین زری‌نیا نماینده ایثارگران
امیرمهدی شایسته نماینده جوانان	علی پرنیان‌فر نماینده ساکنان
فاطمه سردارآبادی نماینده هویتی	ملیحه سرحدی چهچه نماینده بهداشت

محله حجاب

مصطفی کریمی

دبیر شورای اجتماعی محلات منطقه ۱۰



معرفی اعضای شورای اجتماعی محلات

اعضای شورای محلات خاتم‌الانبیا (ص)، امام‌هادی (ع)، حجاب و لشکر

محله خاتم‌الانبیا (ص)

مهدی رباطی رئیس شورا	حجت الاسلام علی خداپنده نماینده مساجد و نایب رئیس شورا
ایمان الهی نماینده فرمانداری	رقیه رئیسی‌زاده نماینده پیشگیری از وقوع جرم
فاطمه غیاث‌زاده نماینده مدارس	مهدی ملکی نماینده تشکل‌های مردمی
هادی شهنازی نماینده کسبه	فاطمه نورپور جوزی نماینده بانوان
محمد نصیری نماینده جوانان	ناصر عبدالهی نماینده ساکنان
حسن رجبی نماینده هویتی	معصومه جهانگیری نماینده هویتی
محمد بخت‌رونده نماینده پایگاه‌های بسیج	

محله لشکر

محله نوید رضاعرفانیان نماینده ساکنان و رئیس شورا	حجت الاسلام مهدی سنجراتی نماینده مساجد
امیرعلی وطن‌دوست نماینده جوانان و نایب رئیس شورا	مسعود رجبی نماینده بهداشت
محمد طلوعی نماینده پیشگیری از وقوع جرم	علیرضا غریبی نماینده کلاتتری
مهدی باقری نماینده تشکل‌های مردمی	احد خواجویی نماینده کسبه
سیده‌آمنه هاشمی‌مهنه نماینده بانوان	ابراهیم روحانی‌نیا نماینده ایثارگران
محمد هادی محمدپور نماینده ساکنان	فاطمه نوری نماینده هویتی
محسن البرز نماینده پایگاه‌های بسیج	